

بسم رب الشهداء

نام پدر: سهراب

محل تولد: کلاچای

تاریخ تولد: ۳۰/۴/۱۳۴۲

تاریخ شهادت: ۲/۹/۱۳۶۶

یگان اعزامی: بسیج سپاه

وضعیت تأهل: مجرد

میزان تحصیلات: دیپلم

محل شهادت: ماووت عراق

محل دفن: گلزار شهدای کلاچای

شهید در خانواده‌ای مذهبی در کلاچای به دنیا آمد. روزی خانواده از راه رانندگی پدرمی گذشت. در کودکی به آرام و یکم حرف بود و به ارهم شوخ طبع بودند. خصوصاً اخلاقی شهید شجاع بودن و ترس بودن ایشان بود. همه را دوست داشت و بخوبی و مهربان با همه رفتار می کرد. به امر به معروف و نهی از منکر خیلی اعتقاد داشت، نقد آرام و مظلوم بود که وقتی خبر شهادت ایشان را آوردند، همه از شهید شدن برادر بزرگترش (اردشیر) حرف می زدند. چون برادرش

23 ډاربه جبهه رفته بودوا رچ راز ادنمی شناختند تا آنکه بعدا مشخص شد که اسم شه ۱ د، ا رچ هست. مادر شه ۱ دمی گو ۱ د: آرزو ش رابه کسی نمی گفت، هم شه به اومی گفتم با دزنت بدهم وعروس ې اورم درخانه، می گفت من ازدواج نمی کنم. در زمان انقلاب شه ۱ د 14 ساله بود. بعد از انقلاب فعاله ت انقلابی ز ادی داشت. اوله ن ډاری که به جبهه رفت 18 ساله بود. بعد از گذراندن سربازی از طرف بس ج دوباره اعزام شد و به شهادت رس ۱ د. بس اراهل کتاب خواندن بود. کتابهای شه ۱ د مطهری و ب شتر، کتابهای درسی اش را مطالعه می کرد. اوقات فراغتش را ورزش می کرد، عاشق فوتبال بود و عضو ت م فوتبال کلاچای هم بود. بس اربور و کم حرف بود. هم شه تاک دمی کرد کم حرف بزنه د و خوب گوش کنه د. اهل قرآن بود. هم شه نمازش را در گوشه ی اتاق می خواند. کمک به فقرا و ز ردستان برای او اهمه ت ز ادی داشت. در پخش کردن غذای نذری می گفت، نبا دبه همسا گان داده شود، با دا ن غذاها رابه مستمندان داد. شه دهه شه به داد خانواده اش می رس دوسرانجام به ندای حق لب ک گفت و به شهادت رس ۱ د.